

مسجد بدیلی ندارد

حجت الاسلام و المسلمین دکتر نوبهار^۱

➤ اولین سؤال، بحث تعریف مسجد است؛ زیرا تا مشخص نشود نگاه ما به مسجد چیست و چه کاردهایی برای مسجد قائل هستیم، سایر سؤالات نیز مبهم می‌ماند. اگر تعریف مسجد روشن شود، بسیاری از مسائل حل خواهند شد.

مطمئناً منظور شما تعریف لغوی یا معنای عرفی مسجد نیست؛ زیرا همه ما معنای لغوی و عرفی مسجد را می‌دانیم. نکته‌ای که معمولاً در تعریف مسجد یا بهتر بگوییم تلقی ما از مسجد، از آن غفلت می‌شود، این است که به مسجد به عنوان یک مکان فیزیکی نگاه می‌کنیم که ممکن است کاردهای زیادی داشته باشد، ولی رسالت یا کارکرد اصلی مسجد را در نظر نمی‌گیریم. به نظر من اینجاست که خودِ واژه مسجد به کمک ما می‌آید. در واقع واژه‌شناسی در این مسئله به ما کمک می‌کند تا اصلی‌ترین و محوری‌ترین نقش و کارکرد مسجد را بشناسیم که جنبه «عبادی» و «معنوی» آن است.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران

آسیب‌شناسی، نخستین و مهم‌ترین گام برای کمک به مسجد یا اصلاح و بهبود وضعیت آن به شمار می‌رود. یک آسیب مهم که مساجد ما و مساجد جهان اسلام به آن مبتلا است، مسئلهٔ عبادت و معنویت است. آیا مساجد ما آرام‌بخش هستند؟ وقتی فرد وارد مسجد می‌شود، باید آرامش بگیرد. البته این آرامش یک شکل کاذبی دارد و ممکن است مسجد این آرامش کاذب را به بعضی افراد بدهد؛ مثلاً فردی که باری را بر دوش خود حس می‌کند، دوست دارد که آن را بر زمین بگذارد؛ لذا به مسجد می‌رود، نماز می‌خواند و احساس آرامش پیدا می‌کند. به نظر من این یک مرحله از آرامش است که البته خوب است.

➤ یک آرامش حداقلی است.

این یک آرامش حداقلی است. حال آنکه مسجد به معنای واقعی کلمه باید کانون معنویت باشد. همهٔ ما معتقد هستیم نیاز به دین، معنویت، صلح و آرامش درونی، یک نیاز فطری است. بدون شک اگر مساجد ما این کارکرد را داشته باشند، می‌توانند افراد زیادی را جذب کنند. برداشت من این است که مسجد بیشتر یک مکان عبادی است، اما نه عبادت ظاهری و تقلیدی و صوری، بلکه عبادتی که برخاسته از ایمان و تنظیم‌کننده روابط اجتماعی افراد است. وقتی دید و تعریف ما نسبت به کارکرد اصلی مسجد این باشد، در بحث آسیب‌شناسی نیز نگاه ما تغییر می‌کند؛ یعنی اگر ما کارکرد مسجد را عبادت بدانیم، دیگر دغدغه نداریم که چرا مساجد ما موزه نیست و ناراحت نیستیم که چرا مساجد ما کتابخانه ندارند. کتابخانه خیلی خوب است و من منکر محاسن آن نمی‌شوم. خیلی چیزها می‌تواند در کنار مسجد باشد، حتی یک نهاد نظامی، سیاسی و اجتماعی می‌تواند وارد مسجد شود، ولی بحث این است که کارکرد مسجد چیست؟ بنابر روایات، مساجد کانون‌های نورافشانی روی زمین هستند؛ یعنی نور معنویت، عبادت و اخلاص از مساجد ساطع می‌شود.

➤ در صحبت‌های خود به آسیب‌شناسی و آسیبی که مربوط به فهم ما از مسجد و کارکرد آن بود، اشاره کردید. آیا آسیب‌های دیگری هم مدنظر شما هست که مساجد ما گرفتار و درگیر آن هستند و باید در بحث قانون به آن پرداخته و رفع شود؟

مهم‌ترین آسیب همان بود که ذکر شد. البته اگر تعریف ما از مسجد مشخص شود، آنگاه می‌توانیم آسیب‌ها را شناسایی کنیم.

➤ آیا پشتوانهٔ این تعریف، فقه ما است؟

این تعریف برآمده از متون و نصوص دینی ما است. در اینجا باید به نکته‌ای اشاره کنم که به نحوی مکمل بحث اول است. به نظر من این تلقی اشتباه است که ما انتظار داشته باشیم همهٔ کارهایی که در صدر اسلام و در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مسجد انجام می‌شده است، امروزه هم عیناً انجام شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مسجد قضاوت می‌کردند؛ ولی امروزه زدن دکه القضا در مسجد بی‌معنا است؛ چراکه نهادهای اجتماعی و تقسیم کار شکل گرفته است و ما وارد دوران دیگری شدیم. به همین علت می‌گوییم کارکرد مسجد در گذشته و به ویژه امروزه بسیار مهم است؛ زیرا هنوز هیچ نهاد اجتماعی مدرنی نتوانسته کارکردهای مسجد را در جامعه مسلمین داشته باشد و در واقع باید گفت: مسجد بدیل ندارد. با توجه به این دیدگاه باید به آسیب‌شناسی مساجد پرداخت. اگر کسی این تعریف و دید را قبول کند، بسیاری از مواردی را که الان آسیب می‌داند، آسیب نمی‌بیند و خیلی از مواردی را که الان آسیب جدی است، ولی دیده نمی‌شوند، آسیب می‌داند.

➤ هدف اصلی این طرح، ساماندهی مساجد است. در بعضی از کشورهای اسلامی، برای مثال در عربستان و ترکیه، تعریفی از ساماندهی مساجد ارائه و اعمال کردند. آیا شما با توجه به شرایط کشور ما، با توجه به نگاهی که به مسجد وجود دارد و نگاهی که مردم به مسجد دارند، صلاح می‌دانید که مساجد ساماندهی شود؛ یعنی یک قانون منسجم و یک‌دست بر امور مساجد حاکم شود و همه از آن تبعیت کنند یا همین حالتی که اکنون مساجد دارند و خودشان را بر اساس فرهنگ یا محله خود اداره می‌کنند، خوب است؟ آیا با توجه به روحیات ایرانی - اسلامی و نگاه و فضایی که تا به حال به مسجد وجود داشته است، یکسان‌سازی در کشور ما جواب می‌دهد؟

متأسفانه در این طرح مقدمه‌ای وجود ندارد تا بگوید مشکل چیست. آیا الان مساجد ما به معنای واقعی کلمه از هرج و مرج رنج می‌برند؟ اگر هرج و مرجی وجود دارد، درون مسجدی است یا برون مسجدی؟ وقتی شما می‌گویید ما می‌خواهیم نهادی را ساماندهی کنیم، یعنی این نهاد نظم و انضباط ندارد یا اینکه نظم آن در حد مطلوب نیست؟ آیا در درون خود دچار بحران است و مشکل دارد یا با جوامع پیرامونی خود مشکل دارد؟ اصلاً مشکل و مسئله مسجد چیست؟ خیلی وقت‌ها در مورد امور مقدس، یک احساس وظیفه که در جای خود مقدس و قابل تقدیر است به ما می‌گوید که باید کاری انجام بدهیم. ولی شاید در تحلیل نهایی، چه بسا وظیفه ما این باشد که کاری انجام ندهیم.

➤ به عبارت دیگر، هدف طرح مشخص نشده است.

هدف طرح مشخص نشده و طرح بر تفکری مبتنی است که من بعضی از جنبه‌های آن تفکر را نمی‌فهمم و بعضی از جنبه‌های آن را که می‌فهمم، درست نیست. سال‌ها است که عده‌ای در کشور ما از مقوله‌ای به نام «مهندسی فرهنگی» صحبت می‌کنند. تلقی آنها این است که می‌توانند فرهنگ را مهندسی کنند. چند نفر گوشه‌ای بنشینند، فکر کنند و فکر خود را به جامعه تحمیل کنند تا در جامعه عملی شود. البته یکی از راه‌های اعمال یک فکر واحد به جامعه، اجرای قانون است. منتها من با این مسئله در دو مورد مشکل دارم: یکی در امکان آن که آیا واقعاً به همین راحتی می‌توان فرهنگ را مهندسی و مدیریت کرد؟ مورد دوم که مهم‌تر است، این است که آیا اساساً این کار درست است؟ من به زبان عامیانه صحبت می‌کنم. روحانیت شیعه سال‌ها افتخار می‌کرد که یک نهاد مستقل است. پایگاه اجتماعی روحانیت شیعه، مردم بوده است؛ منتها مردم تحت تأثیر روحانیون، مرجعیت و مسجد قرار داشتند، و روحانیون تحت تأثیر مردم نبودند. به آرشیو روزنامه‌ها نگاه کنید، بعضی از روزنامه‌ها که اتفاقاً محافظه کار بودند و هستند، دولتی بودن مساجد در بعضی از کشورهای همسایه را امری بسیار منفی‌ای تلقی می‌کردند. البته اشکال ندارد فکر انسان در گذر زمان دستخوش تغییر می‌شود؛ ولی صحبت این است که کدام نابسامانی در اداره خودمختار و خودجوش مردمی مساجد وجود دارد که می‌خواهیم آن را با این قانون حل کنیم؟

الان چند نهاد سر مسجد با یکدیگر اختلاف می‌کنند، آیا این نزاع درست است؟ آیا این دعوا باید ضرورتاً به نفع یک سازمان حل و فصل شود یا اصلاً باید اطراف آن نزاع ساکت شوند و کنار بروند؟ مشکل من با این طرح این است که در آن مسأله‌شناسی لحاظ نشده است. طرح فقط از سازماندهی صحبت می‌کند، حال آنکه فرهنگ یک پدیده خودجوش است.

با یک مثال، بحث روشن‌تر می‌شود. فرض کنید قرار باشد ساخت‌وساز مساجد ساماندهی شود. در این صورت قانون وضع می‌کنیم که هر کس که می‌خواهد مسجد بسازد، باید تأییدیه خود را از تیمی که در وزارت مسکن و شهرسازی است، بگیرد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، برخی از استانداردهای ساخت‌وساز در مساجد رعایت شود؛ اما دیگر از تنوع ساخت و ساز مساجد خبری نیست و عنصر خلاقیت و تنوع از ساخت و ساز مسجد گرفته می‌شود.

سرانجام خواهیم فهمید که نباید ساماندهی را یک اصل بگیریم و برنامه‌هایمان را بر اساس آن تنظیم کنیم. بلکه ابتدا باید مشخص کنیم که سازماندهی برای چیست و آیا لازم است؟ سازماندهی کدام مشکل ما را حل می‌کند؟ ما در دنیای متنوع امروز معتقد به تنوع و میدان دادن به خلاقیت‌ها هستیم تا انسان‌ها از خود خلاقیت و ابتکار نشان دهند. اما در یکسان‌سازی همه باید یک شکل باشند. در دنیای امروز صحبت از شیوه‌های مختلف زندگی است. چه دلیلی دارد که مسجدی را که در یک روستا توسط امام جماعت خود به خوبی اداره می‌شود، اجبار کنیم که با هفت نفر اداره شود؟ بعد از سی سال تجربه پذیرفتیم که در اقتصاد، دولتی بودن به مصلحت نیست؛ اما هنوز در فرهنگ این را نپذیرفتیم و گویا باید زیان‌های بیشتری از مداخلات دولت در فرهنگ متحمل شویم تا متوجه شویم که دلیلی وجود ندارد دولت در امر فرهنگ دخالت کند. اگر مسجد مشکلی دارد، کمک کنید تا آن مشکل حل شود؛ نه اینکه یک سیستم برای کل کشور، از شمال، جنوب، شرق، غرب، شهری، روستایی و عشایری طراحی و همه را مجبور به رعایت آن کنیم. مردم در محل زندگی خود مسجد می‌سازند و برنامه‌های مذهبی خود را طبق سیستمی که می‌پسندند، در آن انجام می‌دهند. چرا دولت می‌خواهد این را تغییر دهد؟ در حوزه‌هایی که دولت مداخله فرهنگی کرده، موفقیتی کسب نکرده است تا الان بخواهیم حوزه مسجد را به دولت بسپاریم. این دید کلی من است. من در یکی از مقالات خود با عنوان «نظام مدیریتی مسجد در

نظام اسلامی» مطرح کرده‌ام که اگر دولت متوجه شد در مساجد مشکلی وجود دارد، فقط آن را حل کند و در امور مساجد دخالت نکند.

من هنوز معتقد هستم متولی مسجد، روحانیون هستند؛ نه دولت. بعضی از موادی که در این طرح وجود دارد، از این جهت خیلی نامناسب است و مساجد را دقیقاً دولتی می‌کند. اگر رئیس جمهور عوض شود، مساجد ما عوض می‌شود. رئیس جمهور دیگری می‌آید، وضعیت مساجد ما به گونه دیگری می‌شود. در تغییراتی که در دولت اتفاق می‌افتد، رویکردهای یک نهاد دولتی عوض می‌شود. آیا می‌خواهیم این مسئله را به مساجد هم سرایت بدهیم؟ باید مشکل اصلی را شناسایی کنیم. اگر از من بپرسید، من همان حرف اول خود را تکرار می‌کنم. اگر ما در آسیب‌شناسی به نتیجه برسیم، راه‌حل مسائل دیگر را پیدا خواهیم کرد. دولت اگر در جایی در حوزه فرهنگی مشکلی دارد، در صداوسیما، روزنامه‌ها، مجلات، از طریق اصحاب تربیون با مردم حرف بزند و مشکل را با آنها در میان بگذارد. مردم هم اگر حرفی دارند، بیان کنند تا مسئله حل شود. لذا اگر از طریق یک جریان طبیعی مشکل حل شود، بهتر است. به نظر من نگاه‌های مهندسی؛ واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مسائل تاریخی و فکری را نادیده می‌گیرد.

تشبیه کردن اصلاح فرهنگ یا اصلاح یک نابسامانی به ساختن یک ساختمان، کار اشتباهی است. جامعه مثل بدن یک عضو ارگانیک و سالم است که در مقابل تغییرات واکنش نشان می‌دهد. ما باید باور کنیم که اگر بخواهیم در طبیعت تصرف کنیم، طبیعت واکنش نشان می‌دهد. در هر جایی که یک مقدار آب وجود دارد، ما نمی‌توانیم فوراً سد بزنیم تا آب هدر نرود، در این صورت چندین گونه گیاهی که فقط با این آب زنده هستند، از بین می‌روند. امروزه ثابت شده که تصرف در طبیعت، تصرف در یک موجود کاملاً زنده است؛ حتی در تصرفات خیلی ابتدایی. جامعه که به مراتب زنده‌تر و یک امر انسانی است. البته من از یک جامعه رها دفاع نمی‌کنم. من از جامعه‌ای دفاع می‌کنم که بایدها و نبایدهای آن از دل یک تعامل به دست آمده باشد و خودش به این نتیجه رسیده باشد که رعایت هنجارها به نفع همه است.

➤ در واقع جامعه باید خودکترل باشد.

جامعه باید خودکنترل باشد؛ نه اینکه ما یک فرمول برای آن بنویسیم و بگوییم این‌گونه عمل کند.

➤ فرمایش شما برای ما بسیار جدید بود و پاسخ بیشتر پرسش‌های ما را بر اساس همان بحث اول فرمودید. کمک‌های دولت را در چه قالبی تعریف می‌کنید و مجاز می‌دانید؟ با توجه به اینکه مساجد ما مشکلات مالی زیادی دارند؛ خصوصاً در شهرهای کوچک؛ زیرا معمولاً مساجد در شهرهای بزرگ برای خود منابع مالی درست می‌کنند، مغازه می‌زنند، مجالس ختم برگزار می‌کنند، ولی در شهرستان‌ها و مخصوصاً در روستاها، مساجد منبع درآمد ندارند و با کمک‌های مردمی اداره می‌شود و کمبودهای فراوانی دارند. اگر قرار باشد دولت حداقل در این زمینه به مساجد کمک کند، در چه قالبی باید این اتفاق بیفتد تا خطری که شما آن را گوشزد کردید، پیش نیاید.

به نظر من در این حوزه و در بسیاری از حوزه‌ها، کارکرد خوب و مؤثر دولت، می‌تواند در قالب چیزی باشد که ما اسم آن را «حمایت منفی» یا «دخالته منفی» می‌گذاریم؛ یعنی مانع نبودن. لازم نیست دولت برای حمایت از مساجد قانون تصویب کند؛ همین‌که برای مساجد مانع‌تراشی نمی‌کند، کار بسیار مفیدی انجام می‌دهد. مردم برای به ثبت رساندن یک مسجد فرایندهای پر و پیچ‌خم اداری را طی می‌کنند. اگر بنا است کمکی صورت گیرد، این مراحل اداری کم شود.

➤ اصلاً مساجد ثبت دولتی نمی‌شوند؛ یعنی به عنوان مؤسسه نمی‌توان آن را ثبت کرد تا بار حقوقی داشته باشد.

اگر مردم بخواهند مسجد را در جایی بنا کنند، باید اوقاف اجازه دهد که اجازه دادن آن خیلی طولانی است، به طوری که وقتی مردم می‌خواهند اقدام کنند، با روندهای خسته‌کننده مواجه می‌شوند.

وقتی به شهرهای مختلف قدیمی ایران مثل کازرون، قزوین، زنجان و حتی تهران و محله‌های قدیمی تهران نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که در هر محله یک مسجد وجود داشته است. با آنکه مردم در آن زمان در فقر به سر می‌بردند، برای مساجد خود هزینه‌های هنگفتی را

خرج می‌کردند. آیا وضع آنها بهتر از ما بوده است؟ من همیشه می‌گویم این گنبدهای بزرگ و چند متری برای امامزاده‌ها یا مساجد ما، سند افتخار و ایمان پدران و نیاکان ما است. خودشان در فقر زندگی می‌کردند، ولی خانه خدا را به بهترین شکل ممکن می‌ساختند. اگر در شهرهای بزرگ زمین گران شده و ساختن مسجد دشوار است، در طرح‌های جامع شهری، مکانی را برای مسجد در نظر بگیرند. اگر مشارکت و مداخله مردم فراموش شود، مسجد در آن محله مثل یک وصله ناچسب است که دولت مجبور می‌شود نگرهبانی بگذارد تا شبانه‌روز کشیک دهد کسی فرش‌های مسجد را نبرد. این کجا تا اینکه مردم فرش دستبافی را که با دست خود بافتند، به مسجد بیاورند.

➤ بحث دیگر این است اجازه دهیم کسانی که می‌خواهند مالیات دهند، بخشی از آن مالیات را هزینه مسجد کنند. آیا این کار درست است یا نه؟

این کار در دنیا خیلی مرسوم است. منتها از نظر دینی خیلی بر این مقوله تأکید شده است که باید پاک‌ترین اموال خرج مسجد شود. مسلمانان و مخصوصاً شیعیان برخورد وسواس‌گونه با مسجد داشتند. در طول تاریخ، شیعیان به هر مسجدی نمی‌رفتند و پشت سر هر کسی نماز نمی‌خواندند. این حساسیت تا حدی خوب است؛ البته ممکن است در بعضی موارد حساسیت زیادی به خرج داده باشیم. ولی اصولاً مسجد باید روی مینا باشد؛ لذا نمی‌توان با مالیات مردم یا از پول کسی که مال او شبهه‌ناک است، مسجد ساخت. اگر حلالیت شرعی و طیب بودن مال تضمین شود، مشکلی وجود ندارد.

➤ نظر شما در مورد حضور نهادهایی مانند بسیج در مسجد چیست؟

در جلد دوم «سیمای مسجد» نشان داده‌ام که مسجد در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با مسائل نظامی مرتبط بوده است. هیچ کس در ادبیات فارسی با تحقیق و دقت تاریخی این مسئله را بیان نکرده است. منتها در آخر کتاب و در پی گفتار یادآوری کردم که ما وقتی به لحاظ تاریخی می‌گوییم مسجد در بعضی از تحولات نظامی مداخله داشته است، به این معنا نیست که دقیقاً توصیه کنیم امروزه مسجد همان نقش را داشته باشد. امروز ما به نیروهای نظامی و انتظامی نیاز داریم. نیروهای نظامی و انتظامی کارکردهای مشخصی دارند. گمان نمی‌کنم جامعه‌ای وجود

داشته باشد که بی‌نیاز از دولت باشد. پس ما به این نهادها نیاز داریم. منتها این نهادها باید در چارچوب و جایگاه خود باشند. من با بزرگان صحبت کردم و تا آنجا که مقتضی بوده است، در نوشته‌های خود آورده‌ام، مسجد یک کانون معنوی است و همچنین می‌تواند یک کانون آموزشی و فرهنگی باشد؛ اما یک نهاد نظامی نیست. من با قاطعیت کامل می‌گویم که این کار اشتباه است. همان‌طور که ما نباید مسجد را با پادگان اشتباه بگیریم، نباید مسجد را با حزب سیاسی اشتباه بگیریم. یکی از اسامی مسجد در ادبیات اسلامی، «جامع» بوده، چون همه را جمع می‌کرده است: سیاه، سفید، زن، مرد، محافظه‌کار، تندرو، کندرو. همه به یک مسجد می‌آمدند و همه آنجا جمع می‌شدند.

➤ این جمع را نباید بگیریم.

این نبایندی که شما می‌گویید، گاهی گرفتن آن مصداق سلب حق می‌شود و حق الناس محسوب می‌شود. مشکل مبنایی من با دولتی کردن مساجد، این است که مسجد در وهله اول پایگاه مردم است. البته مسجدی‌ها با یک حکومت خوب و صالح تعامل و دادوستد دارند. ولی گاهی کسی می‌خواهد در مسجد صحبتی کند که تا حدی صحبت سیاست روز نیست. اگر بخواهیم مساجد را دولتی کنیم، دیگر این شخص در این فضا نمی‌تواند صحبت کند. مسجد به لحاظ شرعی یک مکان عمومی و برای تمام مسلمانان است. این مسئله خیلی مهم است. این نکته را باید برای کسانی که اهل فکر هستند، باز کنیم که این بحث، بحث حقوق مردم است. اگر بخواهید یک جامعه سازمانی تشکیل دهید که در رأس آن دولت و بقیه هم زیر نظر او باشند، تکلیف مردم چه می‌شود؟ بحث این نیست که مردم می‌خواهند با این حکومت مبارزه کنند. انشاءالله ما هیچ وقت چنین معارضه‌ای را نخواهیم داشت؛ ولی بحث استیفای حقوق است. مسجد ملک مشاع مسلمانان است.

نکته دیگر این است که اگر پذیرفتیم این حق است، چطور می‌توانیم درباره حق مردم تصمیم بگیریم و آن را تقسیم کنیم؟ در این طرح گفته شده است که سه نفر از هیئت امنا از نمازگزاران مسجد با تأیید امام جماعت باشد. من با این که امام جماعت نقش محوری و هدایت‌گرایانه داشته

باشد، موافق هستیم؛ اما اگر نهادهای دیگر بخواهند امام جماعت را تضعیف کنند، درست نیست. با کمال تأسف این یک واقعیت است که الان بسیاری از روحانیون در مساجد، درباره مسائل فرهنگی اختیاری ندارند و تابع هستند؛ یعنی به آنها گفته می‌شود که چکار کنند. حرف امام جماعت حتی اگر بخواهد روزی از حکومت دفاع کند، ارزشی ندارد؛ زیرا مردم می‌گویند او مقهور است و یک انسان آزاد نیست.

➤ متأسفانه استادان و کسانی که صاحب فکر هستند، در یک جا متمرکز نیستند و نمی‌توان از آنها استفاده کرد و این جای تأسف دارد.

امیدوارم با تلاش‌های خود شکاف بین نهادهای اجرایی با مراجع دانشگاهی و حوزوی را پر کنید. ما ناگزیر هستیم این شکاف را پر کنیم، والا نتیجه این خواهد شد که میلیاردها تومان خرج حوزه و دانشگاه می‌کنیم تا آنها یک ایده و فکری تولید کنند، اما دولت این ایده را کنار می‌گذارد. نه اینکه بگویم در مقام اجرا هیچ تحقیقی صورت نمی‌گیرد، ولی اگر بنا باشد از کارشناسان حوزه و این فکرها استفاده نشود و عده‌ای چیز خامی را در مرحله اجرا قرار دهند، غیر از اینکه ما از آن سرمایه‌ها استفاده نکردیم، یک ضرر بزرگ هم از بابت طرح‌های نابجا متحمل می‌شویم.